

چند نکته در باره سخنرانی بهمن شفیق

جمشید کارگر

در جلسه روز بیست و سوم آوریل من در اتاق پالتاک «اتحاد سوسیالیستها» حاضر بودم و به گفتار سخنرانان از جمله آقای بهمن شفیق گوش می دادم. می خواستم حرف بزنم اما در آغاز بخاطر مشکلات تکنیکی و پس از آن به دلیل دیر شدن وقت موفق به طرح سؤالات و ملاحظات خویش نگردیدم. سخنان آقای شفیق در این جلسه پالتاکی حاوی نکاتی بود که سکوت در باره آنها را بهیچوجه جایز نمی دانم. تبلیغ آشکار سوسیال دموکراسی و توسل به ضد کارگری ترین روایت سوسیالیسم با هدف دفاع از «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری» در سرتاسر گفته های وی بشدت موج می زد. او سخت بر این عقیده بود که «سوسیالیسم در نفس متحد شدن کارگران نهفته است»، «سوسیالیسم یک افق زیست اجتماعی انسانها نیست»، «سوسیالیسم جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه داری و علیه بردگی مزدی نیست»، «سوسیالیسم با جنبش طبقه کارگر برای محو کار مزدی و مالکیت خصوصی تبیین نمی شود»، سوسیالیسم با جنبش توده های کارگر برای رهائی بشر از هر گونه قید و قدرت ماوراء خود توضیح داده نمی شود»، سوسیالیسم هیچکدام از اینها نیست. سوسیالیسم مجرد متحد شدن و متشکل شدن کارگران است!!! اینکه کارگران با اتحاد خود چه می کنند، اینکه اتحاد آنها در خدمت تحقق کدام هدفها و انتظارات قرار می گیرد. اینکه این اتحاد جنبش کارگری را به کدام سمت می برد، اینکه این اتحاد بطور واقعی نیروی پیکار کارگران علیه سرمایه داری می گردد یا بالعکس در خدمت تحکیم بردگی مزدی آنها بکار گرفته می شود، اینها و مسائل دیگر همه و همه در سخنرانی آقای شفیق یکسره و یکجا مهر باطل خوردند. در گفتگوی وی نفس متحد شدن کارگران همه چیز و اهداف، جهتگیری، محتوای ضد سرمایه داری پیکار، افق لغو کار مزدی جنبش کارگری، نوع مکانیسمهای تحقق مطالبات و اهداف این جنبش، آگاهی طبقاتی کارگران، نقش این آگاهی بعنوان سلاح مادی پیکار طبقاتی، همه و همه یکجا به هیچ چیز تبدیل شدند. عنوان سخنرانی بهمن شفیق «تبیین سوسیالیستی از کمیته پیگیری» بود و او کلیه این مسائل و تحریفات را به هم بافت تا حرکت چند عناصر حاشیه و بیرون یا درون جنبش کارگری ایران را بعنوان مظهر و نماد حرکت سوسیالیستی طبقه کارگر در اذهان حاضران و شنوندگان جا بیاندازد. او در گفته های خود به شیوه ای بسیار نادرست دست به دامن تحریف آموزشهای مارکس و فعالان پیشرو جنبش کمونیستی کارگران دنیا نیز شد. شعار معروف «کارگران جهان متحد شوید» را از کل بار طبقاتی و ضد سرمایه داری اش تهی ساخت و تحریف بغایت سوسیال دموکراتیک و سوسیال رفرمیستی این شعار معروف را وثیقه اثبات تبلیغات خویش قرار داد. «شفیق» با آب و تاب و هیجان بسیار زیادی اظهار داشت و استنتاج کرد که گویا برای نویسندگان مانیفست کمونیست نیز به راستی، نفس متحد شدن کارگران همه چیز و هدف این اتحاد، جنبشی که باید متحد شود، راه تحقق مطالبات و هدفهای این جنبش و همه مسائل دیگر مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری هیچ چیز بوده است!!!

از بهمن شفیق می پرسم که:

۱. اگر نفس متحد شدن کارگران کلید حل کلیه مشکلات جنبش کارگری و به گفته شما عین سوسیالیسم است

چرا اتحاد ۹۸٪ طبقه کارگر سوئد در اتحادیه سراسری کارگران این کشور LO و در حزب سوسیال دموکرات سوئد Socialdemokraterna arbetar parti، اتحاد چند ده میلیونی کارگران انگلیس در TUC و حزب کارگر انگلیس Labour، اتحاد چندین ده میلیونی کارگران آلمان در اتحادیه کارگری و حزب سوسیال دموکرات، اتحاد کارگران فرانسه، اسپانیا، اتریش، هلند، کانادا، امریکا، کره جنوبی، شیلی، برزیل، پرتغال و دهها کشور دیگر دنیای سرمایه داری در اتحادیه های عظیم و طویل در طول سالیان دراز نه فقط هیچ کمکی به تقویت جنبش سوسیالیستی ضد سرمایه داری آنان نکرده است بلکه کل قوای مبارزه طبقاتی توده عظیم فروشنده نیروی کار در سراسر جهان را از هر نوع مبارزه اساسی و کارساز علیه بردگی مزدی باز داشته است؟ اگر نفس تجمع و تشکل کارگران مستقل از نوع راه حلها، افقها، محتوای مطالبات، متوسل بودن این تشکل به اصل جاودانگی کارمزدی یا خواهان مبارزه با کار مزدی بودنش، آری مستقل از تمامی اینها به هر حال تبلور سوسیالیسم و جنگ طبقاتی آگاهانه با سرمایه داری است. چرا بخش عظیم جنبش کارگری بین المللی به دنبال یک قرن مبارزه متشکل درون اتحادیه ها امروز بیش از همیشه در مقابل تهاجمات عریان نظام سرمایه داری جهانی به ضعف و فروماندگی و استیصال کشیده شده اند؟

۲. بهمن شفیق می گوید که صرف تشکل کارگران همان سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی است. معنای این سخن این است که تشکل کارگران در چهارچوب تمکین به بردگی مزدی و بر اساس باور به امکان بهبود شرایط کار و زندگی خویش در سیطره تسلط نظام سرمایه داری نیز عین سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی است!!! معنای این سخن این است که احزاب سوسیال دموکرات و اتحادیه های وابسته به این احزاب حداقل در یک دوره طولانی تاریخی نماد عالی جنبش سوسیالیستی کارگران بوده اند. به این دلیل مشخص که بسیاری از این احزاب در سطح وسیعی کارگران یا حداقل لایه های معینی از طبقه کارگر را در درون خود متشکل می ساخته اند. اتحادیه های کارگری نیز طبیعتاً کارگران را متحد می کرده اند. معنای دقیق سخن شفیق این است که سوسیال دموکراسی و جنبش اتحادیه ای عالی ترین شکل نمایش سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی کارگران هستند. بنظر می رسد که بهمن بسیار دیر چشم به جهان گشوده است. او در زمانی پرچم سوسیال دموکراسی را به دست گرفته و بر دوش حمل می کند که موج تنفر کارگران دنیا از احزاب سوسیال دموکرات به دلیل نقش تاریخی سراسر ارتجاعی این احزاب در اعمال نظم ضد انسانی سرمایه داری بر توده های کارگر به نقطه اوج خود رسیده است.

۳. شفیق ادعا می کند که هر اتحاد و تشکل کارگران عین سوسیالیسم است. مطابق این تعریف، به صف شدن کل طبقه کارگر اروپای شرقی در پشت علم و کتل بخشی از بورژوازی علیه بخشی دیگر در آخرین دهه قرن بیستم عین جنبش سوسیالیستی بوده است. مطابق این تعریف لخ والساه، یلتسین ها، یوشینکوها و نظائر اینها در عداد رادیکال ترین و فرزانه ترین رهبران سوسیالیسم در تاریخ جنبش کارگری بوده و هستند!! زیرا بخشهای وسیعی از کارگران کشورهای خود را حول مسأله جایگزینی برنامه ریزی متمرکز دولتی سرمایه ها با نوع غربی این برنامه ریزی متحد نموده و در احزاب خاص این کار متشکل ساخته اند. از اینها که بگذریم بنظر می رسد سهم روح الله خمینی نیز در این زمینه چندان قابل چشم پوشی نباشد!! چه او نیز بخشی از کارگران ایران را برای چند روزی زیر لوای ضدیت با سلطنت، آب و برق مجانی و حکومت مستضعفان به شیادیهها و دغلكاریهای خود متوهم ساخته بود. ظاهراً مطابق تعریف شفیق بسیار بهتر خواهد بود که کارگران دنیا به جای یادگیری از

مارکس به لُخ والساهها، یلتسینها، خمینی ها و نوع اینها امید بندند.

۴. شفیق می گوید که معرف مانیفست کمونیست اصل متحد شدن کارگران جهان است، اما نویسندگان مانیفست و تودهٔ عظیم کارگران همراه و هم‌رزم آنها اتحاد کارگران جهان را اتحادی برای نابودی نظام سرمایه داری و نه مثلاً برای بهبود شرائط کار و زندگی خود در چهارچوب موجودیت بردگی مزدی می خواستند. شفیق به شیوهٔ بسیار نادرستی شعار «کارگران جهان متحد شوید» را تحریف می کند.

۵ شفیق تأکید کرد که سوسیالیسم یعنی طبقهٔ کارگری که در دولت متشکل شده است. این حرف هم به درستی و با مضمونی عمیقاً سوسیالیستی توسط مارکس و کمونیستهای مارکسی بکار گرفته شده است و هم توسط افراد، گرایشات، احزاب و دار و دسته هائی که بگونه ای سخت نادرست و باژگونه سکت و حزب خود را عین طبقه و تمامیت طبقهٔ کارگر تلقی می کرده اند. وقتی که شفیق یک اتحادیهٔ کارگری وفادار به بردگی مزدی را به صرف متشکل بودن کارگران در آن، نماد سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی می داند «طبقهٔ کارگر متشکل در دولت» ایشان نیز سوای یک دولت سوسیال دموکراتیک هیچ چیز دیگری نمی تواند باشد. شفیق مطلقاً توضیح نمی دهد که این طبقهٔ کارگر متشکل در دولت در کدام پروسهٔ پیکار به این نقطه و به تشکیل چنین دولتی نائل آمده است. آیا اتحادیه های کارگری برزیل و همبستگی لهستان است که با بهره گیری از توهم کارگران ناراضی عهده دار برنامه ریزی کار و تولید اجتماعی شده اند یا به راستی سازمان سراسری شورائی دخالت آحاد شهروندان برای برنامه ریزی پروسهٔ کار و تولید اجتماعی است که از درون روند طولانی پیکار توده های کارگر علیه استثمار و مشقات و بیحقوقی های جامعهٔ سرمایه داری، توسعهٔ این پیکار به کلیهٔ عرصه های زندگی بشر، پیکار برای تحمیل مطالبات روزمره بر سرمایه داران و دولت آنها، پیکار علیه تمامی اشکال ستمکشی سرانجام به ساقط نمودن دولت بورژوازی و استقرار خویش نائل آمده است؟ شفیق در این باره هیچ چیز نمی گوید اما تأکید مؤکد و مکرر او بر نفس تشکل کارگران بعنوان نماد سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی فقط و فقط احتمال اول را به جلو صحنه می راند.

۶. شفیق بسان تمامی کسانی که سایهٔ هر بحث مربوط به تشکل ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی را به گلوله می بندند بسیار نادرست مطرح کرد که گویا فعالین ضد سرمایه داری فقط شعار لغو کار مزدی را سر می دهند، گویا نسبت به مبارزات جاری روز کارگران بی تفاوتند، گویا می خواهند با کودتا و بطور خلق الساعه کار مزدی را لغو سازند!!!. به شفیق توصیه می کنیم که قبل از طرح این مطالب کمی به خود زحمت دهند و از میان انبوه مطالب و مقالات و بحثهای مشروح و مفصل فعالین ضد سرمایه داری یکی، چندتا را مطالعه کنند، شاید از این طریق دریابند که بسیار بی گذار به آب زده اند. اگر هم حوصلهٔ این کار را ندارند، به وی توصیه می کنم که اندکی چشم باز کنند و به دنیای پیرامون خود و به آنچه در جامعهٔ ایران می گذرد نظر اندازند. در طول ۲ سال اخیر فعالین جنبش ضد سرمایه داری و پرچمداران برپائی تشکل ضد سرمایه داری طبقهٔ کارگر و نه سندیکالیستهای مورد تکریم و ستایش شفیق بوده اند که بیشترین حضور را در عرصه های حیات جاری جنبش کارگری داشته اند. منابع خبری و مشاوران شفیق آدمهای بسیار وارونه پردازی هستند.

۷. در ترکیب کمیتهٔ پیگیری مورد دفاع و حمایت آقای شفیق اکثریت با سندیکالیستهای است که هر دینار افزایش دستمزد کارگران را به صدها دینار سود افزونتر سرمایه پیوند می زنند. تبیین سوسیالیستی شفیق از

فعالیت این جماعت برای سازمان دادن جنبش کارگری تبیینی بسیار ضد سوسیالیستی است.

۸. بعنوان یک کارگر با پیشینه طولانی فعالیت سیاسی و به مثابه یک فعال جنبش ضد سرمایه داری بالاترین و بیشترین اهمیت را برای متشکل شدن کارگران قائل هستم. از این گذشته با همه وجودم به طبیعت ضد سرمایه داری مبارزات توده های کارگر یقین دارم. فکر می کنم که جنبش کارگری اساساً جنبشی علیه استثمار و مشقات و مصائب نظام سرمایه داری است. اما این جنبش برای اینکه در جهت محو بردگی مزدی حرکت کند باید بطور پیوسته با راه حلها، رهنمودها و راهکارهای ضد سرمایه داری تغذیه شود و به پیش رود. این جنبش می تواند با افتادن به ورطه سندیکالیسم، سوسیال دموکراسی یا غلطیدن به دامن راه حلها و افقهای اقشار دیگر اجتماعی برای مدتها از سنگر مبارزه طبقاتی علیه اساس سرمایه داری منحرف شود. در چنین حالتی بر خلاف آنچه شفیق می گوید نفس متشکل بودن هم علاج درد او نخواهد بود. طبقه کارگر باید متشکل شود اما باید که علیه سرمایه داری و با افق لغو کار مزدی متشکل شود.

۲۴ آوریل ۲۰۰۵